



« بسمه تعالی »

جهت اطلاع کلیه مدیران عامل محترم بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسات اعتباری توسعه و شهر ارسال گردید.

با احترام

همان‌گونه که استحضار دارند برخورداری از توان تامین نقدینگی برای پاسخ‌گویی به نیازهای کوتاه مدت و با هزینه‌ای معقول، از مهم‌ترین ویژگی‌های یک سامانه مدیریت موثر نقدینگی محسوب می‌شود.

بحران اخیر بازارهای مالی، با توجه به چالش‌های مدیریتی و نظارتی که بر سیستم بانکی کشورها تحمیل نمود، مراجع نظارت بانکی و نیز سیاست‌گذاران پولی را بر آن داشت که ضمن ریشه‌یابی علل بحران و یافتن راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از آن، تدابیری برای پیشگیری از تکرار پذیری آن بیندیشند.

مطالعات انجام شده در این خصوص، عمدتاً بیانگر این است که گسترش نوآوری‌های مالی و سرعت تحولات در بازارها، تا حدودی فرصت ژرف‌اندیشی درخصوص پیامد تحولات و چاره‌اندیشی برای چگونگی رویارویی با آن‌ها را از سیاست‌گذاران گرفت. طی دهه گذشته، بسیاری از بانک‌ها به منظور افزایش توان خود برای تأمین وجوه مورد نیاز برای گسترش سطح فعالیت‌ها، به منابعی همچون اوراق تجاری، توافق‌نامه‌های بازخرید و سایر ابزارها از جمله تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار گرایش شدیدی پیدا کردند. این رویکرد سبب شد، فعالان بازار پول، به ابزارهای بازار سرمایه که ناپایداری، اجزای تفکیک‌ناپذیر ماهیت آن‌ها تلقی می‌گردد وابسته شوند در حالی که، پیچیدگی‌های ساختاری این ابزارها، به نوبه خود، ریسک‌های نقدینگی را به بانک‌ها تحمیل می‌کرد که برای مدیریت آن‌ها پیش‌بینی‌های لازم انجام نشده بود. این مخاطرات کاربرد و اهمیت نقش وثایق را در سطح وسیعی گسترش داد.

کمیته نظارت بر بانکداری بال، به منظور انجام مطالعاتی در خصوص چگونگی مدیریت ریسک نقدینگی در نظام های نقدینگی موجود در کشور های مختلف، تبیین نقاط قوت و ضعف نظام های یادشده، کارگروهی را تشکیل داد. کمیته در صدد است از یافته های این کار گروه، با توجه به درس هایی که از بحران اخیر گرفته شد، برای به هنگام نمودن و تکمیل سند منتشره در سال ۲۰۰۰، تحت عنوان "رهنمود ها برای بهترین رویه مدیریت ریسک نقدینگی در سازمان های بانکی" استفاده نماید.

نظر به اهمیت موضوع و به منظور بهره مندی هر چه بیشتر از نتیجه مطالعات کمیته تخصصی یادشده، برای کمک به ارتقای دانش بانکداری همکاران سیستم بانکی، به پیوست ترجمه سند منتشره توسط کمیته نظارت بر بانکداری بال تحت عنوان "ریسک نقدینگی: چالش های مدیریتی و نظارتی" ایفاد می شود.

خواهشمند است دستور فرمایند ترتیبی اتخاذ گردد تا این این نوشتار جهت مطالعه و بهره

برداری لازم برای تمامی واحد های ذی ربط آن بانک /موسسه ارسال گردد. ۳۰۴۹۴۲/ف

اداره مطالعات و مقررات بانکی

صدیقه رهبر شمس کار

مهناز بهرامی

۳۸۳۱-۳

۳۸۱۶



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

ریسک نقدینگی:

چالش‌های مدیریتی و نظارتی

از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری بال

فوریه ۲۰۰۸

برگردان از: محمد روشندل

گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری

مرداد ۱۳۸۸

فهرست مطالب:

ریسک نقدینگی: چالش های مدیریتی و نظارتی

- ۱- مقدمه..... ۱
- ۲- چالش های مدیریت ریسک نقدینگی..... ۲
- الف- چالش مدیریت ریسک نقدینگی..... ۲
- ب- تامین وجه از بازارهای سرمایه..... ۳
- ج- تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار..... ۴
- د- ابزارهای مالی پیچیده..... ۵
- ه- کاربرد وثیقه..... ۵
- و- سامانه های پرداخت و نیازهای نقدینگی بین روز..... ۶
- ز- جریان های برون مرزی..... ۷
- ۳- نظام های ملی نقدینگی..... ۸
- الف- اشکال مهم..... ۸
- سیاست های نقدینگی..... ۹
- آزمون های بحران و تجزیه و تحلیل سناریو..... ۱۰
- برنامه های احتیاطی تامین وجوه..... ۱۱
- تعیین حدود..... ۱۱
- الزامات گزارش دهی..... ۱۲
- افشای عمومی..... ۱۳
- ب- تنوع نظام های نقدینگی..... ۱۳
- چالش های مربوط به انتقال نقدینگی..... ۱۴
- ج- الزامات نظام های مختلف برای مراجع نظارتی و شرکتهای فعال در عرصه بین المللی..... ۱۵
- موضوعات مربوط به رقابت و ایجاد فرصت های برابر برای آن..... ۱۵
- هماهنگی نظارتی..... ۱۵
- گزارش دهی و ارتباطات..... ۱۶

۱۷	۴- درس های اولیه از بحران جاری
۱۸	آزمون بحران
۱۸	برنامه های احتیاطی تامین مالی و نقدینگی بازار دارایی
۱۹	فعالیت زیرخط ترازنامه و تعهدات احتمالی
۱۹	مدیریت و قیمت گذاری داخلی انتقال در ترازنامه
۱۹	سرمایه
۲۰	نظارت و اطلاعات بازار
۲۰	تسهیلات بانک مرکزی
۲۰	مسایل برون مرزی و تبادل اطلاعات
۲۱	۵- اقدامات آتی جهت تقویت مدیریت و نظارت ریسک نقدینگی
۲۲	ماخذ

کمیته نظارت بر بانکداری بال^۱، به منظور بررسی رویه های نظارت بر نقدینگی کشورهای عضو، در دسامبر سال ۲۰۰۶، کارگروه نقدینگی را تشکیل داد. وظیفه این کارگروه، بررسی چگونگی نظارت بر نقدینگی کشورهای عضو بود. این برنامه، در برگیرنده بررسی نوع رویکرد و ابزارهایی بود که به منظور ارزیابی ریسک نقدینگی و مدیریت ریسک های نقدینگی ناشی از توسعه بازارها توسط مراجع نظارت بانکی مورد توجه قرار می گرفت.

نابسامانی هایی که در اواسط سال ۲۰۰۷ در بازار رخ داد، اهمیت ویژه نقدینگی بازار را برای بخش بانکی بارز ساخته است. جذابیت نقدینگی برای بازارهای بین بانکی و بازار محصولات ساختار بندی شده، به همراه افزایش احتمال انتقال تعهدات زیر خط ترازنامه، به بالای خط ترازنامه، به کمبود های جدی نقدینگی در برخی از بانک ها و مداخله بانک مرکزی در دیگر موارد منجر گردید. این رخدادها بر ارتباط بین تامین وجوه و ریسک نقدینگی بازار، هم بستگی بین ریسک نقدینگی تامین وجوه و ریسک اعتباری و این واقعیت که نقدینگی یک عامل مهم در سلامت بخش بانکی محسوب می شود، تاکید دارد. در پاسخ به رخداد های بازار وظایف مهم اولیه کارگروه مشخص شد و کارگروه نقدینگی مشاهدات مقدماتی را در مورد نقاط ضعف و قوت مدیریت ریسک نقدینگی در شرایط دشوار انجام داد. این مشاهدات، به همراه بررسی نظام های مدیریت نقدینگی کشورها ساختار اصلی گزارش کارگروه یاد شده را تشکیل داد که در دسامبر ۲۰۰۷ به کمیته نظارت بر بانکداری بال ارائه گردید.

کارگروه نقدینگی همچنین گزارش "اقدامات موثر برای مدیریت ریسک نقدینگی در سازمان های بانکی" سند منتشره توسط کمیته نظارت بر بانکداری بال را مورد بازنگری قرار داد. و تا آنجا که به کارش ارتباط پیدا می کرد و بنا به درخواست کمیته نظارت بر بانکداری بال، مبنی بر به روز رسانی رویه های مناسب (برای انتشار، توسط کمیته مذکور در سال جاری)، زمینه هایی را که نیازمند به روز آوری و تقویت بود شناسایی نمود. علاوه بر این، کارگروه مذکور به کارش در رابطه با ارزیابی دلایل ضرورت ها برای وجود تنوع در نظام های نظارت نقدینگی در سطح ملی ادامه خواهد داد.

^۱ - The Basel Committee on Banking Supervision (BCBS)

کمیته نظارت بر بانکداری بال متشکل از کارشناسان ارشد نظارت بانکی است که در سال ۱۹۷۵ توسط روسای کل بانک های مرکزی کشور های گروه ۱۰، پایه گذاری شد. این کمیته از کارشناسان ارشد مراجع نظارت بر بانک ها و بانک های مرکزی کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوییس، انگلستان و ایالات متحده آمریکا تشکیل شده است. به طور معمول نشست های این کمیته در بانک تسویه بین المللی در شهر بال سوئیس برگزار می شود.

با نظر داشت ارتباط و مناسب بودن زمان ، کمیته نظارت بر بانکداری بال ، گزارشی از یافته‌های مهم کارگروه نقدینگی را منتشر کرد. این سند، تحولات بازارهای مالی را که برمدیریت ریسک نقدینگی تاثیرگذار بوده، پیرنگ ترمی نماید و نظام‌های نظارتی ملی و اجزای مرتبط با آن‌ها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و آن گاه مشاهدات اولیه از شرایط جاری بحران و کار آینده کارگروه نقدینگی را مشخص می‌کند.

۲- چالش‌های مدیریت ریسک نقدینگی

الف - چالش مدیریت ریسک نقدینگی

نقدینگی به مفهوم توانایی افزایش وجوه در بخش دارایی‌ها و ایفای تعهدات در موعد مقرر است.^۲ فرضی که در این تعریف نهفته شده ، این است که، بتوان تعهدات را با "هزینه ای معقول" ایفا نمود. مدیریت ریسک نقدینگی در پی آن است که از تداوم توانمندی بانک برای ایفای تعهداتش اطمینان حاصل نماید . این تعریف ، تعهدات نامشخص جریان نقد را نیز در بر می‌گیرد تعهداتی که به رخدادهای خارجی و رفتار سایر عوامل بستگی دارد . نقش بنیادین بانک‌ها برای تبدیل سررسید سپرده‌های کوتاه‌مدت به وام‌های بلندمدت آن‌ها را به طور ذاتی در معرض آسیب‌پذیری ناشی از ریسک نقدینگی قرار می‌دهد. ریسکی که به این دلیل بوجود می‌آید که تقاضاها برای دریافت وجوه از ظرفیت بانک فزونی می‌یابد، و این تقاضای اضافی با افزایش بدهی‌های جدید یا نقد نمودن دارایی‌ها تامین می‌گردد. مدیریت موثر ریسک نقدینگی نیازهای آتی جریان نقد را در هر دو وضعیت عادی و بحرانی برآورد نموده، موجب آشکار شدن چالش‌ها، حتی در شرایط مطلوب بازار، می‌گردد . چون این مدیریت مستلزم استخراج اطلاعات از عملیات مختلف بانک و ارزیابی تاثیر رخدادهای خارجی برامکان دسترسی به منابع تامین نقدینگی است. البته، این چالش در شرایط بحرانی ، از رهگذر تغییر در رفتار طرف‌های مقابل و نیز شرایط بازار، که از عوامل تاثیر گذار بر نقدینگی ابزارهای مالی و دسترسی به تامین مالی وجوه هستند افزایش می‌یابند (به دلیل احتمال تغییر فرضیات مدیریت ریسک بازار)، این عوامل ، مجموعه ای قابل توجه از چالش‌های گوناگون در رابطه با ارزیابی ریسک نقدینگی و نظارت بر مدیریت این ریسک و نیز کنترل‌های مرتبط با آن را پیش روی بنگاه‌ها و مراجع نظارتی قرار می‌دهد.

نوآوری‌های مالی و تحولات در بازارهای مالی، ماهیت ریسک نقدینگی را در سال‌های اخیر تغییر داده است برخی از بانک‌ها ، برای تامین مالی به اتکای بیشتر به بازارهای سرمایه - که به طور بالقوه در مقایسه با

۱- برگرفته از گزارش "رویه‌های معتبر برای مدیریت نقدینگی در بانک‌ها"، منتشره از سوی کمیته نظارت بر بانکداری بال در ماه فوریه سال ۲۰۰۰ میلادی

سپرده‌های خرد مرسوم منبع بی‌ثبات‌تری است - گرایش پیدا کرده اند. علاوه بر این رشد و گستره محصولات بازار تبدیل دارایی به اوراق بهادار^۳، به دلیل توسعه مدل تجاری مبدأ - توزیع افزایش پیدا کرده است. این عوامل، ظرفیت موسسات را برای تغییر تقاضا به سوی تامین وجوه و انباشت وام‌ها - قبل از این تبدیل وام‌ها به اوراق بهادار افزایش می‌دهد. علاوه بر این، پیچیده تر شدن ابزارهای مالی سبب شده تقاضا برای وثیقه و پشتوانه‌های مالی افزایش یابد به این ترتیب که، برای انجام معاملات پیش دریافت بیشتری درخواست شود. علاوه بر این، فشار های نقدینگی پیش رو و نبود شفافیت می‌تواند (و همان طور که اخیرا اتفاق افتاد.) در زمان وقوع بحران، به توافق های بازار نسبت داده شده، به بی اعتمادی منجر گردد. به موازات تحولات بازار و افزایش زمان واقعی سامانه های پرداخت و تسویه، روند رو به رشد وابستگی بین سامانه های مختلف، بیشتر شده است. گسترش فعالیت‌های گوناگون تجاری به همراه این تغییرات ساختاری بدین معنا است که وقوع رخدادهایی در یک بازار می‌تواند به سرعت بر بازار دیگر اثر بگذارد. این عوامل در ذیل با جزئیات بیشتری تشریح می‌شود.

ب - تامین وجه از بازارهای سرمایه

طی دهه گذشته، بسیاری از بانک‌ها به منظور افزایش توان خود برای تامین وجوه، چرخشی به سمت بازارهای سرمایه داشته اند. از این رو، به منابع عمده تامین وجوه، هم چون اوراق تجاری، توافق نامه‌های باز خرید و سایر ابزارهای بازار پول اتکای بیشتری یافته اند.

به طور کلی، ابزارهای بازار پول در مقایسه با سپرده‌های خرد مرسوم، گرایش بیشتری به ناپایداری دارند.^۴ و ممکن است چالش‌های بیشتری را برای مدیریت ریسک نقدینگی ایجاد کنند. همان طور که رخدادهای اخیر نشان می‌دهد، زمانی که سرمایه‌گذاران در بازار تحت فشار قرار می‌گیرند ریسک‌گریزی آن‌ها افزایش یافته، تقاضای آن‌ها برای استفاده از ابزارهای جبرانی ریسک فزونی می‌یابد و بانک‌ها مجبور می‌شوند تا بدهی‌ها را به سررسیدهای کوتاه‌مدت تر تبدیل یا از تامین مالی بلندمدت دوری کنند. در این گونه موارد، ماهیت کوتاه‌مدت بسیاری از ابزارهای بازار پول مشکلاتی را آشکار می‌سازد مثل این که به منظور جایگزینی زیان ناشی از تامین مالی، لازم است سرعت منابعی برای تامین مالی مجدد یافت شوند.

^۳ Securitization

^۴ - البته، ممکن است سپرده‌های خرد، هم چون گذشته با ثبات نباشند، زیرا در حال حاضر سپرده‌گذاران می‌توانند با استفاده از اینترنت، اطلاعات مربوط به نرخ‌ها را با یکدیگر مقایسه نموده، نسبت به جابجایی سپرده از طریق اینترنت اقدام نمایند.

ج- تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار

هر چند تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار به عنوان ابزاری برای تجمیع دارایی ها و فروش دارایی های غیر نقد از بیش از سی سال قبل آغاز شده ، لیکن طی ده سال گذشته به سرعت رشد کرده است. تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار می تواند به منظور افزایش منابع تامین مالی و بهره برداری از ظرفیت آزاد شده در ترازنامه به کار گرفته شود. این ابزار می تواند از طریق خرید و توزیع دارایی های اشخاص ثالث درآمدزا باشد. تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار باعث ایجاد ریسک های نقدینگی می شود و مستلزم آن است که به دقت مدیریت گردد. برای مثال، فرآیند تجمیع دارایی ها، فروش آن به یک شرکت با هدف خاص (special purpose conduit)، کسب رتبه های اعتباری و انتشار اوراق بهادار ؛ زمان بر هستند و مشکلات موجود در بازار، طی این مدت، ممکن است سبب شود تا بانک مجبور شود، نسبت به زمان برنامه ریزی شده، برای دوره زمانی طولانی تری دارایی های واگذار نشده را در اختیار داشته باشد.

حتی اگر نوآوری در بازارهای مالی به شرکت ها امکان دهد از دارایی های غیر نقد پیشین خود نقدینگی کسب کنند، ولی این احتمال نیز وجود دارد که آن ها بیش از پیش به کارکرد و ثبات بازارهای مالی اتکا نمایند. آن گونه که رخدادهای اخیر نشان می دهد، برخی از بنگاه ها برای کسب درآمدهای تجاری و به عنوان روشی برای کاهش دارایی های ترازنامه، در شرایط عادی بازار به این ابزار بیش از حد اتکا داشته اند ، در شرایط بحرانی که منجر به تاخیر پرداخت برخی از دارایی های تبدیل شده به اوراق بها دار می گردد انکای بیش از حد به این ابزار، برای مدتی بیش از مدت برنامه ریزی شده، منجر به ایجاد انباشتی از دارایی ها می گردد.

برخی از اشکال تبدیل دارایی به اوراق بهادار (هم چون دارایی مبتنی بر اوراق تجاری) باعث افزایش بروز ریسک نقدینگی می شوند به این مفهوم که ، این احتمال را که شرکتی که از قبل تحت فشار بوده به گونه ای غیرمنتظره، درصدد تامین نقدینگی برآید، بالا می برد. برای مثال، برخی از شرکت ها، نقدینگی را تحت ترتیبات خاصی فراهم می کنند به موجب این ترتیبات، در صورت تحقق شرایط اصلی مورد توافق، آن ها در مورد پرداخت به موقع اصل و بهره اوراق تجاری به دارندگان آن ها تضمین می دهند. مثال دیگر از ریسک نقدینگی احتمالی را می توان ناشی از استهلاک زود هنگام ذخایر مربوط به اعتبارات گردان (هم چون کارت های اعتباری) دانست. که به اوراق بهادار تبدیل می شوند آخرین مثال این که، هنگامی که موسسات، شرکت های خریدار دارایی ها و شرکت های تاسیس شده در خارج از ترازنامه^۱ (special purpose conduit) - حتی اگر

۱- شرکت هایی هستند که توسط بانک ها با هدف خاص تاسیس می شوند اصطلاحاً به آن ها هدایت کنندگان جریان وجوه در زیر خط ترازنامه گفته می شود. بانک ها با فروش دارایی های خود به این شرکت ها بخشی از منابع خود را برای گسترش بیشتر فعالیت هایشان آزاد می کنند. شرکت های یادشده با بسته بندی مناسب و ارتقای کیفی مطالبات خریداری شده، به پشتوانه آن ها اوراق بهادار منتشر نموده ، به سرمایه گذاران عرضه می کنند.

به موجب قرارداد در این مورد تعهدی نداشته باشند، به این دلیل که، عدم اجرای این حمایت مالی، تاثیر نامطلوبی بر شهرت آن ها بر جای خواهد گذاشت مورد حمایت قرار دهند لازم است که به طور احتیاطی نقدینگی لازم را برای حمایت از شرکت های یاد شده تامین کنند.

د - ابزارهای مالی پیچیده

استفاده از ابزارهای مالی پیچیده در دهه گذشته رشد داشته است. برای مثال، رشد فرضی معاملات تعویضی اعتبارات ایفا نشده^۶ در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ بیش از دو برابر است که بخش عمده ای از این رشد مربوط به ایجاد ابزارهای اعتباری ساختارمند (structured credit instruments) پیچیده و برخی مربوط به ابزارهای با اهرم مالی بالا بوده است. مثال دیگر در این زمینه را می توان تامین مالی از طریق شرکت های زیر خط ترازنامه (که جدید هم نیست) دانست، که با رشد بخش های مهم از طریق تبدیل جسورانه سررسیدها پیچیده تر می شوند.

افزایش پیچیدگی ابزارهای مالی باعث ایجاد چالش های جدیدی برای مدیریت ریسک نقدینگی بانک ها شده است. نخست این که، گنجاندن بندهایی (در قرارداد)، تحت عنوان تنزل رتبه اعتباری و اشکال متفاوت وخواست (یا دیگر اشکال تثبیت شده اختیاری)، ارزیابی وضعیت نقدینگی ابزارهای مالی را دشوار می سازد. دوم این که، ابزارهای سفارشی و پیچیده در بازار به با سرعت مبادله نمی شوند، و این امر می تواند ارزیابی قیمت و نقدینگی بازار ثانویه این ابزارها را چالش برانگیز سازد. سوم آن که، در مواقع بحرانی، پیش بینی جریان های نقدی آن ها و همبستگی با دیگر دارایی های مالی از نظر رهگیری ثبت کوتاه مدت این گونه محصولات، حتی در بهترین حالت، دشوار خواهد بود.

ه - کاربرد وثیقه

طی دهه گذشته، کاربرد وثایق با کیفیت در بانک ها افزایش یافته است. مطابق با گزارش ISDA در سال ۲۰۰۶، میزان وثایق از سطح ۱۲،۰۰۰ مورد در سال ۲۰۰۰ به سطح ۱۱۰،۰۰۰ مورد در سال ۲۰۰۶ رسید. بخشی از این روند رو به رشد را می توان به دلیل افزایش کاربری وثایق، به عنوان ابزار کاهنده ریسک دانست. از دیگر علل آن، به تغییر ماهیت مبادلات، بین بنگاه های مالی، از جمله افزایش بهره گیری از معاملات قرارداد های باز خرید^۷ و ابزارهای مشتقه در بازارهای تامین مالی عمده استناد می شود.

^۶ - credit default swaps

^۷ - Repo Transactions

تغییراتی چند در رویه های مدیریت ریسک، موجب حساسیت یافتن هر چه بیشتر وثیقه نسبت به ریسک نقدینگی شده است. برای مثال، حداقل موجودی نزد کارگزار^۱ برای انجام معاملات مشتری در مقایسه با رویه ده سال گذشته که به صورت هفتگی یا ماهیانه تعیین می شد. در حال حاضر بر مبنای روزانه یا بین روز مشخص می گردد. علاوه بر این، امروزه توافق نامه های دو جانبه وثیقه، که به طرف های قرارداد اجازه می دهد تا وثیقه در خواست نمایند، اهمیت بیشتری یافته است. و استفاده مجدد از وثایق افزایش یافته است، این در حالی است که اغلب واسطه گران عمده مالی به طور معمول از وثایق دریافتی به طور مجدد استفاده می کنند. اگر چه استفاده از وثایق باعث کاهش ریسک اعتباری طرف مقابل می شود، ولی بر ریسک تامین مالی وجوه نیز تاثیر گذار است، زیرا در صورت تغییر شرایط، طرف های مقابل ناگزیرند با دریافت اولین اخطار به کسری وثایق، نسبت به تامین وثایق اضافی اقدام نمایند. هر قدر، اهمیت این ریسک بیشتر می شود، به خصوص مواقعی که نوسانات قیمت در بازار منجر به تغییراتی در اندازه منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل می گردد. از وثایق در سطح گسترده تری استفاده می شود.

و- سامانه های پرداخت و نیازهای نقدینگی بین روز

بسیاری از بانک ها در ارتباط با فعالیت های خود با مشتریان شان (اعم از شرکت ها و دیگر بانک ها) با چالش های فزاینده ای در خصوص مدیریت نقدینگی بین روز روبرو هستند. بعضی از این چالش ها از تحولات اخیر در طراحی سیستم های پرداخت و تسویه، هم چون انطباق با سیستم های پرداخت در حجم کلان و با سررسید بین روز (مانند سامانه تسویه ناخالص در زمان واقعی - سیستم های RTGS) و تحویل در برابر سیستم های تسویه پرداخت اوراق بهادار، گسترش سیستم یاد شده برای تسویه مبادلات ارزها و استفاده فزاینده از طرف های مقابل اصلی ناشی می شود.

این تحولات، باعث کاهش ریسک های مهم اعتباری بین روز و نیز ریسک های عملیاتی شده است. البته، در عین حال نیازهای وثیقه ای را در درون برخی از سیستم ها و حساسیت زمان پرداخت های مهم (هم چون روش هایی که برای تامین مالی وضعیت های قابل پیش بینی یا غیرمنتظره در سامانه تسویه بانک، برای تامین مالی تسویه دیگر پرداخت ها و سامانه های تسویه اوراق بهادار یا برای تامین حداقل مورد نیاز نزد کارگزار، به منظور انجام معاملات طرف های مقابل اصلیه کار می رود.) را افزایش داده است.

^۱ - Margin Call

حداقل مبلغی است که بنا به درخواست کارگزار، به منظور انجام معاملات، مشتری، وی می بایست در حسابی به نام کارگزار نگهداری نماید.

در نتیجه، بسیاری از بانک‌ها با اشکال جدیدی از ریسک‌های نقدینگی بین روز مواجه هستند. ناتوانی یک موسسه برای انجام پرداخت‌های مهم می‌تواند تکانه شدیدی را به دیگر شرکت‌های محلی یا بین‌المللی وارد کند. این وضعیت همچنین ممکن است بر عملکرد بازارهای کوتاه‌مدت پول در کشورهای مختلف اثر نامطلوبی بر جای گذارد.

به منظور حصول اطمینان از بهبود کارکرد سامانه، بانک‌های مرکزی، اعتبار بین‌روز را به اعضای سامانه RTGS اعطا می‌نمایند. البته، برای دستیابی به این اعتبارات، وجود وثایق همواره یک ضرورت محسوب می‌شود. از این رو، موسسات می‌بایست در طول فعالیت‌های روزانه، برخی از اشکال نقدینگی را برای تامین تعهدات خود بر مبنای زمان بندی مشخص در اختیار داشته باشند.

ظ- جریان‌های برون مرزی

همچنان که حجم و سرعت جریان‌های برون مرزی وجوه رو به افزایش است، بازارهای مالی به طور فزاینده‌ای در حال ادغام با یکدیگر هستند. بسیاری از موسسات مالی، فعالیت‌های تجاری خود را در عرصه بین‌المللی افزایش داده، به بازارهای بین‌المللی وابسته شده‌اند. تعدادی از موسسات مالی بزرگ جهانی شدیداً در پی آن هستند تا تقاضاهای نقدینگی یک شبه و بین روز (از جمله وثایق) خود را بر حسب ارزش‌های مختلف و در تمامی کشورهایی که با بانک‌های آن دارای روابط بانکی هستند به صورت متمرکز مدیریت نمایند.

جریان‌های گسترده برون مرزی وجوه نقد، این احتمال را که هر گونه اختلال در گردش نقدینگی با سرعت به تمامی بازارها و سیستم‌های تسویه تسری یابد، افزایش می‌دهد. بانک‌هایی که مدل نقدینگی متمرکز را به کار می‌گیرند، ممکن است بر مبنای برنامه‌ای، کسری وجوه بر حسب یک پول را از طریق وجوه خود بر حسب دیگر ارزها در بازار ارز یا انتقال وثایق در عرصه بین‌المللی تامین کنند این گونه بانک‌ها، در نهایت، لازم است در برنامه‌های خود شرایط بازارهای جهانی و مدت زمان لازم برای انتقال کامل وجوه یا وثایق به کشورهایی که با آن‌ها کار می‌کنند لحاظ نمایند. ممکن است نقدینگی به طور کامل به کشورهای مختلف قابل انتقال نباشد، به خصوص در شرایطی که بازار در شرایط بحرانی قرار دارد و مراجع قانونگذار محلی، نگره داری نقدینگی کافی برای انجام عملیات را برای حفظ منافع ملی الزامی بدانند. بنابراین، یک عامل مهم برای اجرای فعالیت‌های برون مرزی، شناخت کامل از رویه‌های نظارتی و مقرراتی هر حوزه قانونی است.

۳- نظام‌های ملی نقدینگی

الف- اشکال مهم

به منظور حمایت از حفظ ثبات و ایمنی سیستم مالی هر کشور و هماهنگی با سیاست‌های ملی آن نظام‌های نقدینگی گسترش یافته است. مسئولیت ملی مراجع نظارتی این است که اطمینان حاصل کنند، بانک‌ها در حد مناسبی نقدینگی (به عنوان مثال به شکل دارایی‌های نقد یا دسترسی به وجوه نقد احتمالی) نگه داری می‌کنند. نظام‌های نظارتی آگاه هستند که منافع هر بانک به طور تنگاتنگی با منافع سهامداران آن همسو می‌باشد، از این رو، ممکن است نتوانند تأثیر ورشکستگی بانک‌ها را بر سیستم مالی در سطح گسترده‌تر و کامل‌تری برآورد نمایند. در صورت نبود نظارت، این امر می‌تواند از دیدگاه عموم، کافی نبودن مصونیت بانک‌ها در برابر ریسک نقدینگی تلقی گردد.

نظام‌های نقدینگی در سطح ملی مبتنی بر اصل مسئولیت کشور میزبان است (اگرچه در بعضی موارد، این مسئولیت مراجع نظارتی شعب بلکه به مراجع نظارتی کشور اصلی واگذار نمی‌شود). اهداف ارزشمند نظارت بر نقدینگی، عمدتاً در تمامی حوزه‌های قانونی مشابه می‌باشد، هر چند که ابعاد و چگونگی تبدیل این اهداف به مقررات و دستورالعمل‌ها بسیار متفاوت است. علاوه بر این، در برخی از کشورها، روش‌های متنوعی برای نظارت بر نقدینگی وجود دارد. بررسی چند کشور نشان می‌دهد که نظارت بر نقدینگی شرکت‌هایی که از نظر اندازه بزرگ‌تر و از نظر سیستمی به نسبت افزایش فرضی ریسک، حایز اهمیت‌تر هستند، شدت یافته است. در بعضی از حوزه‌های قانونی، برای بانک‌های بزرگ و کوچک مقررات متفاوتی اعمال می‌شود. برای مثال، در برخی از کشورها، نظام نظارت بر نقدینگی، رویکرد پیشرفته‌تری را برای بانک‌های مهم در نظر گرفته است (در این کشورها، برای به کارگیری روش‌های مدل داخلی انعطاف‌پذیری بیشتری به موسسه داده می‌شود) و اصولاً رویکرد توضیفی‌تری را برای بانک‌های کوچک‌تر طراحی کرده‌اند. یک روش دیگر نظام نظارت بر نقدینگی آن است که به منظور بازتاب اهمیت سیستمی بانک‌های بزرگ، آن‌ها ملزم شوند در مقایسه با بانک‌های کوچک‌تر، نقدینگی بیشتری را برای ضربه‌گیری ریسک نقدینگی نگه داری نمایند.

یکی دیگر از وجه تمایزهای حایز اهمیت در تمامی نظام‌های نظارت بر نقدینگی، حدی است که مراجع نظارتی با توجه به آن، حدود جزئی را که بانک باید برای ریسک نقدینگی نگهداری کند، تعیین می‌نمایند. این رویکرد عکس رویکردی است که بر بازنگری و تقویت سیستم‌ها، روش‌ها و گزارش‌های مدیریت ریسک داخلی بانک اتکا دارد. در سال‌های اخیر بسیاری از نظام‌های نظارت بر نقدینگی تأکید بیشتری بر رویه‌های

مدیریت ریسک داخلی بانک‌ها دارند تا بتوانند ریسک‌های ناشی از نوآوری‌های بازار مالی را بهتر مدیریت نمایند. به هر حال، کشورها در حال حاضر، نظام‌های نقدینگی خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهند تا حوزه‌هایی را که نیاز به تقویت دارند مشخص نمایند.

به طور کلی، رویکردهای مشترک و از نظر علمی در سطوح بالای نظارت بر ریسک نقدینگی در تمامی نظام‌های نقدینگی:

- از شرکت‌ها انتظار دارند تا سیاست‌های معینی را برای تعیین مدیریت ریسک نقدینگی داشته باشند.
 - استفاده از آزمون‌های بحران در آن‌ها امری عادی است.
 - تمامی آن‌ها بر اهمیت تدوین برنامه‌های احتیاطی تامین وجوه تاکید دارند.
 - تمامی نظام‌ها، شرکت‌ها را ملزم می‌دانند گزارش‌های منظمی را به مراجع نظارتی ارائه نمایند.
- نظام‌ها از نظر حدی که الزامات تجویز و استاندارد می‌شوند با یکدیگر متفاوتند. این تفاوت‌ها از طریق بررسی اجزای هر یک از نظام‌های نقدینگی در ذیل به صورت کامل تر ارائه می‌شود:

سیاست‌های نقدینگی

اکثر نظام‌ها از بانک‌ها انتظار دارند به منظور تعیین راهبرد داخلی خود برای مدیریت ریسک نقدینگی، سیاست‌های نقدینگی را مستندسازی نمایند. برخی از نظام‌ها ی نظارتی در این جا متوقف می‌شوند. آن‌ها هیچ‌گونه الزامات یا رهنمود صریحی در خصوص مدیریت ریسک نقدینگی و برای پوشش آن ریسک اعلام نمی‌کنند. البته، بیشتر نظام‌ها، عناوین مشخصی را که باید مستندسازی شوند مشخص می‌کنند.

به طور کلی، انتظار می‌رود که سیاست‌های نقدینگی شرکت‌ها، فرآیندهای داخلی آن‌ها را در مورد اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک نقدینگی مشخص کند. اهمیت برنامه‌های احتیاطی تامین مالی در تمامی حوزه‌های قانونی مورد تاکید است. جدای از این مورد، آنچه به طور کامل باید در مورد الزامات در سیاست‌ها تعیین شود به طور قابل ملاحظه‌ای در سطح نظام‌های ملی متفاوت است. برای مثال، نظام‌های مختلف نیازمند این هستند که برخی از عناصر ذیل را در سیاست‌هایشان ترکیب نمایند:

نیاز به برخورداری از سیستم‌های کامل اطلاعاتی، فرآیندهای مورد نیاز، جهت برآورد جریان‌های آتی نقد و الزامات مربوط به تامین وجوه خالص، اهمیت رویکردهای خاص جهت مدیریت جریان‌های پول خارجی، آزمون‌های بحران، تعیین حدود داخلی، ضرورت بازنگری مستقل سیاست‌های داخلی و نیز ابلاغ سیاست‌ها به تمامی بخش‌های موسسه.

آزمون‌های بحران و تجزیه و تحلیل سناریو

هدف آزمون‌های بحران، تجزیه و تحلیل سناریو، شناسایی نقاط ضعف یا آسیب‌پذیری‌های احتمالی وضعیت نقدینگی یک شرکت است تا تغییرات لازم برای رویارویی با این نارسایی‌ها (به عنوان مثال، از طریق متنوع سازی منابع تامین وجوه یا افزایش منابع احتمالی نقدینگی) انجام شود. تمامی کشورهای مورد بررسی یا در حال حاضر بانک‌ها را ملزم به به کارگیری آزمون بحران/تجزیه و تحلیل سناریو می‌نمایند و یا در آینده این کار را خواهند کرد. اگرچه برای شرکت‌های کوچک تر و با پیچیدگی کمتر در این خصوص استثنا قایل شده اند. به طور کلی مراجع نظارتی شرکت‌ها را ملزم می‌کنند آزمون بحران / تجزیه و تحلیل نقدینگی را با همان رویکرد کلی نسبت به نظارت نقدینگی در سطح تلفیقی انجام دهند.

در برخی از کشورها، مراجع نظارتی، دستورالعمل جامعی را در خصوص انواع تکانه‌هایی که می‌بایست مورد بررسی قرار گیرند، تدوین نموده‌اند^۱ و در بعضی، این مهم، در اختیار هر شرکت قرار داده شده است. در هر دو مورد، رفتار جریان‌های آتی نقد، برای هر شرکت برآورد می‌شود^۱. بانک‌ها روش‌های متعددی را برای برآورد رفتار جریان‌های آتی نقد به کار می‌گیرند. در سطح نخست، ممکن است برآورد، حاصل نظر کارشناسان باتجربه باشد. دیگر موسسات ممکن است از داده‌های تاریخی یا تکنیک‌های مدل‌سازی آماری استفاده کنند. مراجع نظارتی رویکردهای متفاوتی جهت ارزیابی و/یا اثبات این مفروضات دارند.^{۱۱} برخی از مراجع نظارتی دستورالعمل‌های صریحی در خصوص چگونگی استفاده از نتایج ارائه می‌کنند. برای مثال، برخی از نظام‌های نقدینگی انتظار دارند سندهای آزمون در برنامه‌های احتیاطی یا تعیین حدود به کار گرفته شوند.

علاوه بر الزامات تعیین شده برای هر موسسه، برخی از مراجع نظارتی، سناریوهای از قبل تعریف شده‌ای را برای منتخب موسسات مالی (بانک، بیمه، صندوق‌های بازنشستگی) اعمال می‌کنند. این سناریوها با هدف ارزیابی اثرات احتمالی دور دوم و واکنش‌ها در گستره بازار انجام می‌شود.

۱- یکی از الزامات متداول در این رهنمودها، در نظر گرفتن هر دو گروه تکانه‌های خاص و تکانه‌های کلی در گستره بازار است.
۲- طی نابسامانی‌های اخیر در بازار، بعضی از ناظران، از بانک‌ها انجام آزمون‌های بحران بیشتری را درخواست نمودند و برخی دیگر سناریوها را پیشنهاد کردند.

۳- برخی از رویکردهای نظارتی، شرکت‌ها را ملزم می‌کردند در رابطه با فرضیات خود توضیحات بیشتری ارائه کنند. برخی به منظور بررسی عملکرد هر شرکت نسبت به گروه همسان، مفروضات رادر سراسر صنعت مقایسه می‌کنند. پس از فرآیند ارزیابی، ممکن است اصلاحاتی انجام شود و در صورت مشاهده نارسایی‌ها، ممکن است مراجع نظارتی اقدام فوری انجام دهند.

برنامه‌های احتیاطی تامین وجوه

برنامه های احتیاطی تامین مالی ، به منظور تعیین استراتژی های شرکت در رابطه با آزمون های بحران، مورد استفاده قرار می گیرند. این برنامه ها می بایست مسئولیت های مدیریت و رويه هایی را که می بایست هنگام عملیاتی شدن آن ها توسط هیات مدیره دنبال شود، مشخص کنند. علاوه بر این، برنامه های یاد شده، باید منابع احتمالی نقد، جهت پوشش کسری ها در شرایط بحرانی را مورد شناسایی قرار دهند.

تمامی کشورهای مورد بررسی، از شرکت ها انتظار دارند که ترتیبات احتیاطی از پیش تعیین شده ای را داشته باشند. هرچند که نوع الزامات مربوط به هر کشور ممکن است متفاوت باشد. همانند سیاست های کلی نقدینگی، در مورد انتظارات کشورها در سطح ملی تفاوت های بنیادینی در بین آن ها وجود ندارد. اختلاف ، بیشتر در جزئیات مربوط به الزامات است. ممکن است در مورد رابطه بین آزمون های بحران و برنامه های احتیاطی دستورالعمل های صریحی ارائه شود، مثلاً لزوم برخورداری از شاخص های هشدار دهنده اولیه، استراتژی ارتباطی (داخلی و خارجی)، و ضرورت حصول اطمینان از آمادگی عملیاتی برای اجرای این برنامه ها.

تعیین حدود

برخی از نظام های نقدینگی، بانک ها را ملزم به تعیین حدود یا اهداف داخلی می نمایند. این موارد ممکن است نگره داری دارایی های نقد مورد هدف، حدود مربوط به عدم انطباق سررسید، یا اعمال محدودیت ها در رابطه با اتکای به منابع خاص تامین مالی را در برگیرد. این گونه محدودیت های کمی می تواند به محدود کردن میزان ریسک نقدینگی که بانک ها متحمل می شوند، کمک نموده اطمینان ایجاد کند که آن ها از آمادگی کافی برای شرایط بحرانی برخوردارند یا می توانند شاخص های هشداردهنده اولیه بحران یا آسیب پذیری را مورد بهره برداری قرار دهند.

نظام های مختلف، محدودیت های مشخص یا نسبت های هدف را به عنوان بخشی از الزامات نظارتی تجویز می کنند. هنگامی که اهداف با توجه به مقاصد مختلف تعیین می شوند، ساختار آن ها به گونه ای ملموس و قابل ملاحظه تغییر می کند.^{۱۲} البته بین نسبت هایی که برای اهداف مشابه تعیین می شوند نیز در

۱- برای مثال، ممکن است برای نگهداری دارایی های نقدی مورد هدف ، نسبت دارایی های نقد به بدهی های کوتاه مدت بزرگتر از %x تعیین شود. یک محدودیت برای عدم انطباق سررسید ممکن است نسبت جریان نقد ورودی به جریان نقد خروجی ، شامل ارقام زیر خط ترازنامه، بزرگتر از %y باشد. مثال دیگر حدی است در مورد سهم بدهی های تامین شده از محل دارایی های تبدیل شده به اوراق بهادار ، که می تواند نسبت اوراق بهادار مبتنی بر دارایی ها به کل بدهی ها باشد.

حوزه های قضایی مختلف، از نظر جزئیات اجرایی آن ها، بویژه از نظر انتخاب فرضیات رفتاری تفاوت هایی وجود دارد.^{۱۳}

حدود استاندارد شده نسبتاً انعطاف ناپذیرند. (به عنوان مثال، برخی از آن ها نمی توانند مخاطرات ارقام زیر خط ترازنامه را لحاظ نمایند.) از این رو، در مقایسه با سایر ابزارها، هم چون آزمون های بحران، به آسانی نمی توانند با تغییرات بازارهای مالی انطباق پیدا کنند در سال های اخیر، نظام های مختلف، تاکیدشان را بر حدود استاندارد شده کاهش داده اند. اعضای مختلف کارگروه نقدینگی، در راستای تحولات بازار، برنامه هایی رابه منظور روزآمد کردن این گونه حدود گزارش کرده اند.

الزامات گزارش دهی

تمامی مراجع نظارتی بانک ها را ملزم می کنند تا اطلاعات مربوط به وضعیت نقدینگی خود را گزارش نمایند. این گونه اطلاعات، به دلایلی چند، گرد آوری می شود. برخی از داده ها، شناسایی ریسک های نقدینگی را که بانک در معرض آن قرار دارد و نیز پایش آن ها را برای مراجع نظارتی امکان پذیر می سازد. سایر داده ها به آن ها کمک می کند تا منابع نقد احتمالی را که بانک ها به آن دسترسی دارند تحت پایش قرار دهند. تمامی این اطلاعات، در مجموع به مقام نظارتی در مورد تشخیص وجود فشار نقدینگی بر موسسه و رعایت الزامات مقرراتی توسط بانک ها یاری می رساند.

داده های گردآوری شده توسط مقامات نظارتی کشورها، به طور قابل ملاحظه ای با یکدیگر متفاوت هستند. در برخی از حوزه های قانونی، داده ها به صورت خام جمع آوری می شوند (به عنوان مثال ریز ارقام ترازنامه و گردش وجوه نقد)، در حالی که در برخی دیگر، نسبت ها و دیگر معیارهای از پیش تعریف شده، گردآوری می شوند. داده های گردآوری شده برای نیل به انطباق پذیری، ساختار حدود و یا هدف را منعکس می کند.

هنگامی که شاخص های از پیش تعریف شده، الزامی می شوند، مقامات نظارتی، اغلب، از فرم های استاندارد با مفاهیم معین و فرضیات رفتاری استفاده می کنند. این روش گردآوری داده ها، به مقایسه متقابل صنعت توسط مقامات نظارتی کمک می کند ولیکن می تواند انجام امور موازی در شرکت رانیز در پی داشته باشد. (در شرایطی که الزامات نظارتی متفاوت از الزامات مدیریت داخلی باشد). تعدادی از مراجع نظارتی به هر شرکت اجازه می دهند تا داده ها را همراه با سیستم های مدیریت اطلاعات داخلی گزارش کنند (و

۱- به عنوان مثال چه زمانی دارایی ها باید نقد تلقی شوند؟ در مورد دارایی، به طور احتیاطی چه مقدار کاهش ارزش باید اعمال شود؟ با تسهیلات تعهد شده چگونه باید رفتار شود؟ چه مقدار از برداشت سپرده های خرد می بایست پوشش داده شود؟ چه پول هایی کاملاً قابل تبدیل شناخته می شوند؟

همین طور، مفاهیم داخلی و فرضیات رفتاری را). این روش از بار سیستم کم می کند، اما مقایسه متقابل صنعت را با چالش های بیشتری مواجه می کند.

افشای عمومی

در اغلب کشورها، افشای عمومی اطلاعات در مورد وضعیت نقدینگی شرکت ها به جای الزامات نظارتی، به اصل افشا - مطابق با قوانین حسابداری و قوانین ناظر بر شرکت های تجاری - محدود است. به طور کلی قوانین حسابداری، شرکت ها را ملزم به افشای تجزیه و تحلیل سررسید بدهی های مالی و تشریح چگونگی مدیریت نقدینگی می نمایند. مواردی چند وجود دارد که افشای عمومی به طور صریح از اطلاعات نظارتی ناشی شده، یا موسسات ملزم می شوند معیار های نظارتی مهم را در حساب های سالیانه خود افشا کنند. تفاهم نامه بال ۲، بویژه در رکن سوم آن (انضباط بازار، بر افزایش افشای عمومی تاکید دارد. رخدادهای اخیر اهمیت یکپارچگی مقررات را بارز ساخته است. چون به طور کلی الزامات افشا، برای ابزارهای بالای خط تراز نامه، نسبت به منابع در معرض خطر ارقام زیر خط تراز نامه دقیق تر است.

ب- تنوع نظام های نقدینگی

کارگروه نقدینگی در پی شناسایی دلایل تنوع در نظام های نقدینگی در سطح کشور و الزامات مربوط به آن ها بود. علت این تنوع، گاهی به شرایط بازار مالی و تفاوت های حاصل از عملکرد نظام های نقدینگی در سطح ملی برمی گردد. این گونه تفاوت ها با گذشت زمان در حال کاهش است چون ادغام بازارهای مالی بین المللی بسرعت ادامه دارد و نظام های نقدینگی در سطح ملی در حال بازنگری و روزآمد نمودن خود هستند. تنوع پذیری هم چنین می تواند حاصل ارتباط با عواملی باشد، که ممکن است خارج از محدوده مقررات الزامی مراجع نظارتی باشد. عواملی که، انعطاف پذیری سیستم بانکی نسبت به بحران جدی دارایی های نقد را برای بازگشت به شرایط عادی کنترل می کنند. این عوامل، عوامل تعیین شده در سطح ملی هم چون نظام های ورشکستگی، ترتیبات بیمه سپرده، سیاست های اعتباری و وثیقه ای بانک مرکزی مانند تسهیلات بین روز، تسهیلات مستمر یا ترتیبات کمک به نقدینگی اضطراری و نیز ساختار بخش بانکی را در بر می گیرد.

نظام های نقدینگی در مورد انعطاف پذیری مطلوب بانک ها برای بازگشت آن ها به شرایط مطلوب، در زمان بحران نقدینگی، تحت تأثیر گزینش سیاست ها توسط مقامات ملی قرار دارند. این گزینش ها، به نوبه خود، بر تصمیم گیری ها بر میزان مناسب نقدینگی که سیستم بانکی می بایست برای بازگشت به شرایط عادی نگه داری کند، تأثیر خواهد بود. به

این مورد باید اثرگذاری مهم ترتیبات بیمه سپرده ملی و سیاست‌های بانک مرکزی را افزود. در چندین کشور، گزینش سیاست‌های ملی به منظور تقویت آن‌ها در دوره بحران جدی نقدینگی تحت بررسی است

درخواست نظام‌های نقدینگی در سطح مدیریت محلی یا موسسات، مستلزم آن است که هر شرکت در حد کفایت در برابر تکانه‌های خارجی مقاوم شود. این امر ممکن است مستلزم نگره داری مجموعه‌ای از دارایی‌های نقد در داخل یا دسترسی مستقل هر موسسه به خطوط نقدینگی احتمالی باشد. علاوه بر این، هر موسسه باید از طریق تدوین سیاست‌های نقدینگی و ارائه گزارش منظم اطلاعات، انطباق خود با دستورالعمل‌های نظارتی محلی را به اثبات رساند. کارگروه نقدینگی دلایلی را برای این رویکرد اعلام کرده است:

حفاظت از موسسات داخلی : هم چون حمایت از برگشت پذیری یک گروه بانکی بین‌المللی به شرایط عادی، مراجع نظارتی وظیفه دارند به منظور حفاظت از سپرده‌گذاران محلی نیز در مورد موضوع یاد شده، اطمینان حاصل نمایند. به دلیل مسئولیت‌های مراجع نظارتی محلی و تسری ریسک‌های شهرت در گروه بانکی، به طور نمونه، منابع نقد جداگانه‌ای مورد نیاز است، تا درجه‌ای از سطح برگشت پذیری به شرایط عادی را برای هر موسسه فراهم نموده، به مراجع نظارتی امکان دهد از منافع سپرده‌گذاران حمایت کنند. در فرآیند حل بحران داخلی، برخورداری هر موسسه از وضعیت نقدینگی مستحکم می‌تواند حیاتی باشد. فرآیندهای شناسایی و حل بحران بین‌المللی می‌تواند از طریق منابع در معرض خطر برون مرزی پیچیده‌تر شوند. به همین دلیل، برخی از مراجع نظارتی از طریق ایجاد محدودیت‌هایی برای منابع در معرض خطر بین گروه (در نتیجه، محدود کردن این گستره، برای مدیریت کاملاً متمرکز ریسک نقدینگی)، نوسانات نقدینگی برون مرزی را محدود می‌کنند.

چالش‌های مربوط به انتقال نقدینگی : در شرایط خاص، ممکن است شرکت‌ها در میان کشورهای مختلف، با چالش‌هایی در خصوص انتقال وجوه و اوراق بهادار، بویژه در خصوص معاملاتی که سررسید آن‌ها همان روز است، مواجه گردند. برای مثال، موسساتی که مدیریت نقدینگی متمرکز دارند ممکن است به بازارهای سوآپ ارزی وابسته باشند. در جریان نابسامانی‌های اخیر بازار، بازارهای معاملات سوآپ ارز در برخی مواقع نسبتاً غیر نقد بودند. این مورد، ارزیابی را هم که به لحاظ سنتی از نقدشوندگی بالایی برخوردارند، در بر می‌گرفت. (از این رو، آزمون‌های بحران در در مفروضات خود در مورد منظور کردن این عوامل از آزادی عمل برخوردارند). البته، اگر ضرورت پیدا کند که وجوه، بر مبنای پیش‌آگهی، از طریق انجام معاملات سوآپ ارز با سررسید همان روز انجام شوند این کار، باید خارج از سیستم تسویه انجام گیرد. چون در حال حاضر، این سیستم، قابلیت تسویه وجوه یاد شده را ندارد. از آنجاکه اغلب معاملات خارج از سیستم تسویه، بر مبنای

پرداخت در ازای پرداخت تسویه نمی‌شوند، بانک‌ها برای انجام معاملات ارزی با سررسید همان روز، به طرف‌های مقابلی اتکا می‌کنند که ریسک اعتباری بین روز را متقبل شوند. که البته، ممکن است تحقق این خواسته در شرایط بحرانی دشوار باشد. در نهایت، سایر عوامل فنی، هم‌چون قراردادهای تسویه بازار و اختلافات زمانی بین سیستم‌های پرداخت و تسویه، ممکن است انتقال وجوه و اوراق بهادار را دشوار ساخته، زمان مورد نیاز جهت انتقال نقدینگی بر حسب پول‌ها و نیز در کشورهای مختلف را طولانی نماید.

ج- الزامات نظام‌های مختلف برای مراجع نظارتی و شرکتهای فعال در عرصه بین‌المللی

بحث مورد اشاره در بالا، دلایل مربوط به الزامات نظارتی داخلی و بهره‌مندی از ویژگی‌های هر کدام از نظام‌های نقدینگی ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این بخش نیز، به بررسی برخی الزامات نظارتی دیگر برای مراجع نظارتی و شرکت‌های فعال در حوزه‌های قانونی با نظام‌های نقدینگی متفاوت می‌پردازد.

موضوعات مربوط به رقابت و ایجاد فرصت‌های برابر برای آن: اهداف گوناگونی که در سطح ملی برای برگشت‌پذیری مناسب از شرایط بحران نقدینگی وجود دارد، ممکن است مسائل مربوط به ایجاد فرصت‌های برابر رقابت را به طور احتمالی مطرح سازد. این بحث ممکن است برای شرکت‌های فعال در عرصه بین‌المللی بیشتر ملموس باشد. به عنوان مثال، دو شرکت را در نظر می‌گیریم که فعالیت مشابهی را در دو حوزه قانونی متفاوت انجام می‌دهند. ممکن است آن‌ها با الزامات نقدینگی متفاوتی روبرو باشند. از این رو، در رابطه با فرصت‌های برابر رقابت، برای آن دو شرکت، در بازارهای خارجی، و نیز گستره تبعیض‌های مقرراتی سوالاتی طرح می‌شود. کارگروه نقدینگی پی‌برد که لازم است اقداماتی برای ایجاد توازن بین افزایش سازگاری در رویکرد نظارتی در مورد بانک‌های فعال در عرصه بین‌المللی و متناسب نمودن نظام‌های داخلی و عوامل مهم تأثیرگذار بر ریسک نقدینگی، هم‌چون ترتیبات بیمه سپرده و دسترسی به وامدهی بانک مرکزی و سایر اشکال تامین مالی شبه دولتی انجام شود

هماهنگی نظارتی: با توجه به تنوع رویکرد‌های نظارتی، ممکن است مقام‌های نظارتی یک کشور نسبت به سطح برگشت‌پذیری دیگر نظام‌های نقدینگی (از شرایط بحرانی به شرایط عادی) یا در مورد گستره‌ای، که آن نظام‌ها می‌توانند نقدینگی را به جریان در آورند تا نیازهای نقد بخش دیگری از گروه فراهم شود، با عدم اطمینان‌هایی مواجه باشند علاوه بر این، ممکن است مقام نظارتی کشور میزبان، مثلاً در مقابل فشار نقدینگی، از درجه برگشت‌پذیری کمتری نسبت به

مقام نظارتی کشور اصلی (یا برعکس) برخوردار باشد. با نظر داشت این موضوع که مجموعه گروه بانکی به عنوان یک کلیت ممکن است تحت فشار کمبود نقدینگی قرار گیرد مرجع نظارتی میزبان می تواند در نهایت موسسه میزبان را ملزم به افزایش بیمه نقدینگی (به عنوان مثال به شکل دارایی‌های نقد یا دسترسی به خطوط نقدینگی اعتباری) نماید. این امر ممکن است باعث افزایش بیمه نقدینگی در مقابل ریسک نقدینگی موسسه در کل گروه شود.

افزایش همکاری میان مراجع نظارتی ملی و درک متقابل آن‌ها نسبت به یکدیگر، می تواند عدم اطمینان هر یک را در مورد سطح توان برگشت پذیری نظام‌های نقدینگی دیگر، از شرایط بحرانی به شرایط عادی کاهش دهد. اعضای کارگروه نقدینگی پی بردند که همکاری میان مراجع نظارتی طی سال‌های اخیر از طریق فعالیت در موسسات آموزشی نظارتی افزایش داشته است.^{۱۴} اهمیت شناخت دقیق در شرایط بحرانی به دلیل ضرورتی که برای اعمال نظر در موردپیش بینی جریان نقد در بین موسسات گروه وجود دارد، بوضوح افزایش یافته است. شعب یا شرکت های تابعه می توانند به جریان‌های نقد شرکت مادر که ممکن است در زمان نیاز، فاقد دسترسی بوده وابسته باشند. و این احتمال هم وجود دارد که موسسه گروه خارجی با مطالبه وجهی بر حسب پول محلی موجبات تضعیف موسسه داخلی را فراهم کند.

گزارش‌دهی و ارتباطات: تنوع رویکردها در مورد گزارش‌دهی، ممکن است به ارتباطات موثر میان مراجع نظارتی لطمه وارد نموده، هزینه‌هایی را به شرکت‌ها تحمیل کند. البته، اعضای کارگروه نقدینگی توجه داشتند که در صورتی که چارچوب‌های گزارش‌دهی در قالبی مشترک فشرده سازی شود به گونه ای که نتوانند به شیوه ای مناسب تفاوت‌های مدل‌های تجاری بانک‌ها در حوزه های قانونی متفاوت را منظور نماید، لازم است بین بهبود اثربخشی ارتباطات برون مرزی و کاهش کیفی اطلاعات ارائه شده به مراجع نظارتی داخلی توازن برقرار شود. در واقع امر، هم بانکداران و هم تعدادی از اعضای کارگروه نقدینگی ضمن پیشرفت کار، برای اتکای بیشتر به گزارش نقدینگی داخلی شرکت ها و سیستم های مدیریت اطلاعات آن‌ها، از نظر هماهنگی بیشتر این گزارش ها با مدل‌های تجاری مختلفی که توسط موسسات گوناگون بکار گرفته می شود، نکات مثبتی قائل بودند. این مساله، به نوبه خود، به دلیل مطلوبیتی که مقایسه بین گروه همسان به عنوان یکی از اجزای مهم نظارت دارد، ضرورت برقراری توازن را بارز می‌سازد. امکان مقایسه بین گروه های همسان از طریق سازگاری هر چه بیشتر گزارش ها، تسهیل خواهد شد. (هم در داخل گروه های فعال در سطح بین المللی، هم بین آن‌ها).

۱- موسسات آموزشی نظارتی، به منظور پرداختن به موضوعات نظارتی، ناظران سازمان های بانکی دارای فعالیت برون مرزی وسیع را با هدف نظارت بر موسسات خاص گرد هم می آورند.

۴- درس های اولیه از بحران جاری

در ماه های اخیر، آزمونی جدی در مورد بحران نظام های نقدینگی فراهم شده است. با وجود اینکه این رخداد ها هنوز در شرف جریان است، کارگروه نقدینگی تلاش کرده، به عنوان جزئی مهم از ارزیابی کلی نظام نقدینگی، درس های اولیه ی این رخدادها را به مورد توجه قرار دهد. به طور خلاصه نابسامانی ها در تقابل با پیشینه قدیمی "در جست و جوی بازده" آغاز شد. زمانی که، امتیازات مربوط به نقدینگی و اعتبارات به گونه ای استثنایی رو به افول گذارد، نوآوری های مالی در بازار اوج گرفت. ابزارهای مالی پیچیده در بازار رشد یافت. افزایش معوقه ها در بخش رهنی که دارای رتبه های پایین اعتباری بودند و تقریباً تمامی آن ها برای انتشار اوراق بهادار مبتنی بر رهن های مسکونی مورد استفاده قرار گرفتند. پس از آن، بخش مهمی از این اوراق، توسط مدیران بدهی های مبتنی بر وثیقه خریداری شدند. بدهی هایی که، خود، پشتوانه انتشار اوراق مبتنی بر دارایی بودند. این موضوع سبب شد، سرمایه گذاران اعتماد خود را نسبت به رتبه بندی این گونه اوراق بهادار ساختارمند از دست بدهند. این امر به نوبه خود، به افزایش نگرانی ها در خصوص چگونگی ارزش گذاری این گونه اوراق بهادار و آنچه موجب می شود موسسات بیشتر در معرض زیان ها قرار گیرند، منجر گردید.

از بین رفتن اعتماد سرمایه گذار نسبت به طیف گسترده ای از اوراق بهادار ساختارمند، منجر به افزایش مخاطرات در ترازنامه بانک ها شد. تکانه اولیه در بازارهای اعتباری منجر به کاهش نقدینگی در بازار دارایی ها شد و افزایش ریسک تامین مالی را به همراه داشت. بازارهای پول در عرصه بین المللی در شرایط دشوارتری قرار گرفت چون بانک ها نقدینگی را جهت پاسخگویی به مطالبات احتمالی یا پیش بینی ایفای چنین مطالباتی نگه داری می کردند. مدیران دارایی نیز نقدینگی را جهت محافظت از مخاطرات فزاینده بازپرداخت لازم داشتند. مجموعه فشارهای وارده بر نقدینگی و ترازنامه بانک ها و نیز تشدید نگرانی هادر مورد اعتبارات، بانک ها را در مورد تامین وجوه سایر شرکت ها از طریق تامین مالی مدت دار بی انگیزه ساخت.

اثر تکانه بر بانک ها در میان کشورهای مختلف متفاوت بوده است. برخی از بانک های با اندازه متوسط در ارائه محصولات مالی پیچیده بسیار فعال بودند یا به طور خاص به تامین وجوه در سطح کلان متکی بودند. که در مقابل فشارهای نقدینگی آسیب پذیر بودند. تاکنون بسیاری از بانک های بزرگ، در حالیکه اغلب و به طور قابل ملاحظه ای تحت تاثیر بازارهای اعتباری ضعیف و ابزارهای مالی پیچیده مخاطره آمیز و اقلام خارج از ترازنامه ریسکی

قرار داشته‌اند، دسترسی به دامنه متنوعی از ابزارهای تامین وجوه را حفظ کرده‌اند و از بهبود کیفیت برخی ابزارهای مالی بهره‌مند شده‌اند، البته، این وضعیتی است که ممکن است تغییر کند. بانک‌ها (بیشتر بانک‌های کوچکتر)، که وجوه خود را عمدتاً از سپرده‌های خرد تامین کردند، در مقایسه با بانک‌هایی که وجوه خود را از منابع کلان تامین نمودند با فشارهای نقدینگی کمتری مواجه شدند. مراجع نظارتی در پاسخ به افزایش فشار نقدینگی، بر شدت نظارت خود بر نقدینگی بانک‌ها افزودند. درس‌های اولیه از مدیریت ریسک نقدینگی و نظارت بر آن در ذیل آورده می‌شود:

آزمون بحران: ماهیت، میزان و دوره تکانه وارده بر سیستم مالی جهانی، به طور کامل توسط بخش مالی پیش‌بینی نشد. در اغلب موارد، آزمون‌های بحران بر تکانه‌های غیرمتعارف یا تکانه‌های خاص شرکت‌ها متمرکز بودند. اگر چه این گونه آزمون‌های بحران هنوز از ارزش برخوردارند. اقدامات پیشگیرانه برای رخدادهایی با ویژگی‌های خاص (هم چون نبود توان دسترسی به بازارهای عمده در یک دوره)، به برگشت‌پذیری به شرایط عادی کمک کرد. رخدادهای اخیر نشان داد که آزمون‌های بحران باید الزامات مربوط به اختلالات گسترده‌تر (هم چون رخدادهای وسیع در بازار و رخدادهایی که بر چند بازار یا چند پول به طور هم‌زمان اثر گذار هستند) و نیز ترکیبی از تکانه‌های گسترده و غیر متعارف بازار که واکنش‌های رفتاری دیگر بانک‌های متاثر از تکانه را در خود دارد، منظور نمایند. برخی از مراجع نظارتی پولی پی‌بردند که زمانی که آن‌ها تلاش کرده بودند با فوریت و در زمان آغازین رخدادهای بانک‌ها را به انجام آزمون بحران جامع‌تر و دقیق‌تری تشویق کنند با مقاومت قابل ملاحظه‌ای مواجه شدند. چالش مربوط به تعریف سطح مناسبی از بحران برای انجام آزمون بحران، هنوز به صورت مسأله‌ای حل نشده برای بانک‌ها و مراجع نظارتی باقی است.

برنامه‌های احتیاطی^{۱۵} تامین مالی و نقدینگی بازار دارایی: رخدادهای اخیر ضرورت اصلاح و تقویت برنامه‌های احتیاطی تامین وجوه را در برخی موارد بارز ساخته است. آزمون‌های بحران و برنامه‌های احتیاطی تامین وجوه، اغلب، به حد کافی تلفیق نمی‌شوند. به هر حال، منشأ تکانه تامین مالی اخیر با ابزارهایی سر و کار داشت که برخی بانک‌ها تصور می‌کردند، می‌توانند به طور گسترده‌تری در برنامه احتیاطی خود از آن‌ها استفاده کنند. به ویژه، بانک‌ها مفروضاتی را در مورد بازار نقدینگی محصولات ساختارمند مهم، دارایی‌های مبتنی بر اوراق تجاری و دفاتر بانک‌ها داشتند که حکایت از این داشت که بیش از حد خوش‌بینانه بودند. در واقع، بعضی از بانک‌ها با اوراق بهادار مبتنی بر

۱-Contingency plan

رهن ها و دارایی های مبتنی بر اوراق تجاری به عنوان تسهیلات حمایتی برگشت پذیر و حفاظت کننده در زمان بروز مشکلات مربوط به تامین مالی رفتار کردند. نه پیش بینی می شد که نقدینگی این گونه بازارها سریعاً از بین برود نه این که، نقدینگی این گونه بازارها به اختلال های گسترده بازارهای بین بانکی مدت دار مرتبط شود. این رخداد این سؤال را مطرح نموده که کدام دارایی می تواند به عنوان نقدینگی قابل اتکا باشد. بخشی از پاسخ این سؤال به فهرست وثایق بانک مرکزی مربوط می شود. چون امکان تنزیل مجدد دارایی ها نزد بانک مرکزی می تواند باعث تقویت جایگاه نقدینگی بازار گردد. برخی از مقامات نظارتی پی بردند که گاهی اوقات بانک ها برای اجرای برنامه های احتیاطی خود آمادگی ندارند. (مثلاً به این دلیل که مستندسازی قانونی در آن ها وجود ندارد). البته برخی از برنامه های احتیاطی به خوبی پاسخ گو بودند. در موسسات بزرگ برخوردار از منابع تامین مالی متنوع، نیازه تنوع گرایی در عوامل منظور شده در برنامه احتیاطی بیشتر بارز بود.

فعالیت زیر خط ترازنامه و تعهدات احتمالی: آزمون های بحران، مخاطرات مربوط به حمایت های نقدی و در جهت کمک به تسریع گردش وجوه - از طریق تاسیس شرکت ها توسط بانک ها در خارج از ترازنامه - را کمتر از واقع برآورد کرده بودند. به این ترتیب، این آزمون ها از منظور کردن احتمالاتی که قطعیت می یافت، خودداری می کردند مثل زمانی که، بانک ها، به دلیل مسائل شهرتی، خود راناکزیر از مشارکت در تامین سرمایه و حمایت نقدی از شرکت های وابسته به خود می دانستند. (حتی اگر چنین حمایت هایی بر طبق قرارداد های رسمی انجام نشده بود). این نکته، ضرورت به کارگیری ملاحظات کافی توسط بانک ها در مورد ریسک شهرت و الزامات مربوط، برای مهار کردن تکانه نقدینگی را بارز می نماید.

مدیریت و قیمت گذاری داخلی انتقال در ترازنامه: رخداد های اخیر، اهمیت ارتباط نزدیک میان واحدهای خزانه داری و خطوط کاری، به منظور حصول اطمینان از درک کامل افزایش مخاطرات احتمالی نقدینگی را پررنگ تر ساخت در برخی از بانک ها، واحدهای خزانه داری، نسبت به ریسک های احتمالی نقدینگی مربوط به محصولات و چگونگی تغییر این ریسک در پی تکامل رویه های کاری آگاهی ندارند. به هر حال، حدی که، سیستم های قیمت گذاری داخلی انتقال در شرکت ها، در آن، خطوط کاری، از نظر ایجاد منابع در معرض خطر احتمالی مورد ارزیابی قرار می گیرند، در گستره ای از کنترل بسیار شدید تا کنترل ناچیز و بدون کنترل متفاوت است. بانک هایی که تا قبل از آغاز اغتشاشات مالی، از نظر داخلی و خارجی، از سیستم منسجمی برای قیمت گذاری نقدینگی برخوردار نبودند، برای تامین مالی وجوه نقد مورد نیاز خود، با چالش های بزرگتری مواجه شدند.

سرمایه: سرمایه برای بانک این امکان را فراهم می کند که زیان‌های غیر قابل پیش بینی خود را پوشش دهد. علاوه بر این، در مورد رشد پیش بینی نشده دارایی یا فروش دارایی به قیمت پایین تر، در صورت لزوم، به بانک، برای ایفای تعهداتش انعطاف پذیری ایجاد می کند. حوادث اخیر نشان داد سطح بالاتر سرمایه، در عین حال که می تواند اطمینان خاطر برای شرکت کنندگان در بازار فراهم کند، ولی حتی بانک‌های با سرمایه کافی هم می‌توانند با مشکلات جدی نقدینگی روبرو شوند. این نکته حاکی از ضرورت مدیریت قوی نقدینگی برای بانک‌ها و اهمیت طراحی مناسب نظام‌های نقدینگی است.

نظارت و اطلاعات بازار: اعضای کارگروه نقدینگی بر اهمیت رویکرد هوشیارانه‌ای تاکید دارند که به مراجع نظارتی این امکان را می دهد که هر زمان که وقوع بحران تشخیص داده شد، اطلاعات بیشتری را گردآوری و تجزیه و تحلیل کند. بسیاری از اعضای کارگروه دریافتند که چارچوب‌های گزارش‌دهی ادواری موجود برای پایش ریسک نقدینگی به لحاظ محتوایی. (مثلاً نکات مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه و نقاط فشار تامین مالی) مقایسه‌پذیری و مناسب بودن. ناکافی است. دیگر اعضای کارگروه قانع شدند که توانایی ناظران با گردآوری سریع داده‌های جامع‌تر در طول دوره بحران، به کمک اطلاعاتی که به طور معمول گرد آوری می کنند تکمیل می شود. بسیاری از مراجع نظارتی قالب‌های گزارش‌دهی خود را ارتقا داده، بر شدت پایش‌های خود، از طریق درخواست انجام آزمون‌های بحران، علاوه بر تعداد معمول، افزودند. بعضی از مراجع نظارتی بازنگری دستورالعمل‌های نظارتی را در دستور کار خود دارند. افشای اطلاعات بازار، همواره نیازهای شرکت کنندگان در بازار را تامین نمی کند و در برخی موارد، بازارهای مالی در جستجوی اطلاعات بیشتری در مورد وضعیت نقدینگی بانک‌ها هستند.

تسهیلات بانک مرکزی: در برخی موارد، هنگامی که شرکت کنندگان بازار در جریان استفاده بانک‌ها از تسهیلات بانک مرکزی به عنوان آخرین مرجع وام‌دهنده، قرار می‌گرفتند آن را به عنوان نشانه‌ای از وجود مشکلات مالی آن تفسیر می کردند. برچسب ناخوشایند وام‌گیری از بانک مرکزی (توسط شرکت کنندگان در بازار) به برداشت وجوه دیگر بانک‌ها از بانک وام‌گیرنده و کاهش منابع در معرض خطر نسبت به آن منجر می‌گردید. از این رو، دریافت این تسهیلات از بانک مرکزی، به جای این که از فشارهای بانک برای تامین مالی بکاهد، آن را افزایش می‌دهد.

مسائل برون مرزی و تبادل اطلاعات: در برخی موارد، جایگاه نقدینگی در موسسات و در تمامی حوزه‌های قانونی از اهمیت برخوردار بود. برخی از بانک‌ها میزان اختلال در بازارهای سوآپ ارزی در زمان آغاز دوره بحران را پیش‌بینی نکردند. با وجود این، نقدینگی "به دام افتاده"، نگرانی عمده‌ای محسوب نمی‌شود، بعضاً به

این دلیل که، برنامه های احتمالی بانکها، حداقل، در کوتاه مدت بر انتقال محدود وجوه برون مرزی متکی است. اعضای کارگروه دریافتند که تبادل اطلاعات و هماهنگی میان مراجع نظارتی در ماههای اخیر خوب بوده است. اگرچه برخی مراجع نظارتی میزبان (به ویژه شعب) به وجود مشکلاتی در خصوص تعیین وضعیت نقدینگی در سطح گروه اشاره داشتند.

۵- اقدامات آتی جهت تقویت مدیریت و نظارت ریسک نقدینگی

به عنوان نتیجه ای از یافته های کارگروه نقدینگی، کمیته نظارت بر بانکداری بال در رابطه با ریسکی که بانکها می پذیرند، به منظور تقویت مدیریت ریسک نقدینگی آنها اقداماتی را انجام خواهد داد. کارگروه نقدینگی کار خود را با بهبود رویه های نظارتی و تقویت مدیریت ریسک نقدینگی از طریق به روز کردن و تقویت اصول محوری و رهنمودهای مربوط به بهترین رویه مدیریت ریسک نقدینگی برای بانکها و ناظران آغاز کرده است. در نهایت، کارگروه نقدینگی سند منتشره توسط کمیته نظارت بر بانکداری بال در فوریه سال ۲۰۰۰، تحت عنوان "رهنمودها برای بهترین رویه مدیریت ریسک نقدینگی در سازمان های بانکی را به گونه ای که تجربه بحران اخیر را منعکس نماید، از طریق گسترش بیشتر اصول، به هنگام می کند. به عنوان بخشی از این هدف، کارگروه نقدینگی از کار مستمر اخیر در مورد ریسک نقدینگی در بخش های دولتی و خصوصی، بهره خواهد گرفت.

موضوعاتی که در سند "رهنمودها برای بهترین رویه مدیریت ریسک نقدینگی کمیته نظارت بر بانکداری بال" مورد بازنگری قرار می گیرند عبارتند از:

- شناسایی و اندازه گیری گستره کامل ریسک های نقدینگی، شامل ریسک های نقدینگی احتمالی مرتبط با شرکت های تاسیس شده در خارج از ترازنامه
- آزمون بحران، از جمله تاکید بیشتر بر بحران های گسترده بازار و ارتباط بین آزمون های بحران با برنامه های احتمالی تامین وجوه
- نقش مراجع نظارتی، از جمله ارتباطات و هماهنگی میان مراجع نظارتی برای تقویت رویه های مدیریت ریسک نقدینگی
- مدیریت بر ریسک های نقدینگی بین روز ناشی از پرداخت و تسویه تعهدات داخلی و برون مرزی (کار با کمیته پرداخت و سیستم های تسویه)
- جریان های نقدینگی برون مرزی و مدیریت ریسک نقدینگی ارز
- نقش افشا و انضباط بازار در بهبود و ارتقای رویه های مدیریت ریسک نقدینگی

کمیته نظارت بر بانکداری بال در نظر دارد ، نسخه تجدید نظر شده سند رویه های مناسب مدیریت ریسک نقدینگی را در سال جاری برای دریافت نقطه نظرات عموم منتشر نماید. علاوه بر این، کارگروه نقدینگی فعالیت خود را در رابطه با ارزیابی دلایل و الزامات، برای وجود تنوع در نظام های نظارت بر نقدینگی در سطح ملی، ادامه خواهد داد. ۱۳۱۰۱۳/د.

ماخذ:

**Liquidity Risk: Management and Supervisory Challenges, February ۲۰۰۸, Basel
Committee on Banking Supervision , Bank For International Settlements**

استفاده از مطالب این نوشتار با ذکر ماخذ بلامانع است.